بسم الله الرحمن الرحیم

ادب دعا

ایجاد انگیزه:

محدثین بزرگوار شیعه در کتابهای حدیثی خود معمولا کتابی دارند به نام کتاب الدعا و در این کتاب ، بخشی به نام آداب دعا است. مجموعاً می توان از روایات اهل بیت علیهم سلام الله چهل ادب از آداب دعا استفاده کرد که رعایت این آداب برای اجابت دعا بسیار موثر است و برخی از این آداب به این شرح بیان می شود.

متن و محتوا:

ادب اول که شاید از مهمترین آداب دعا باشد و در روایات فراوانی به آن تاکید شده است، امید به فضل الهی و حسن ظن به ذات مقدس حق تعالی است و احدی نباید ناامید باشد. احدی این احتمال را دهد که شاید خداوند او را نیامرزد، گاهی می بینیم جوانهای عزیزی را که به سرحد ناامیدی می رسند، ناامیدی از گناهان بزرگ و گناهان کبیره است. اینکه انسان تصور کند که شاید مشمول عفو و رحمت الهی نباشیم. مرحوم شیخ صدوق (رض) در کتاب ارزشمند ثواب الاعمال این حدیث را نقل می فرماید: «آخر عبد یومر به الی النار یلتفت» فردای قیامت بنده ای را به خاطر گناهان سنگینی که مرتکب شده است و مستحق عذاب است فرمان می رسد به سوی آتش ببرند، در مسیر راه برمی گردد "یلتفت" پشت سر نگاهی می کند و خطاب می شود فرشتگان و ملائکه من این عبد را نگه دارید، من از او سوال دارم "عبدی لم التفتت" چرا برگشتی به پشت سر نگاه کردی؟ عرضه می دارد خدایا "ما کان ظنی بک هکذا" من به گناه اعتراف دارم اما گمان من این نبود. سوال می شود چه گمانی به من داشتی؟ عرضه می دارد "ظنی ان تغفر لی خطیئتی و تدخلنی جنتک" گمان من این بود که مرا می آمرزی و مرا وارد بهشت می کنی. خطاب می شود به خاطر همین حسن ظنی که به من دارد برگردانید این روایت در مجامع روایی ما متعدد آمده است. بنابراین امشب کسی حق ندارد ناامید باشد "احسنوا ظنونکم بالله" فراوان به ما توصیه کرده اند حسن ظن به خدا داشته باشید. در دعای افتتاح می گوییم "فلم ار مولی کریما اصبر علی عبد لئیم منک علی" خدایا ندیدم مولایی کریم و بزرگوار این همه صبر کند بر بنده لئیمی مثل من "انک تدعونی فاولی عنک تتحبب الی فاتبغض الیک تتودد الی فلا اقبل منک "خدایا تو مرا صدا می زنی، من بر می گردم تو مهر و محبت، من دشمنی، تو دوستی ولی من نمی پذیرم. جمله لطیفی دارد در ادامه عرضه می داریم "کان لی التتول علیک" یعنی خدایا من جوری با تو رفتار می کنم گویا من بر تو منت دارم، من به تو لطف کردم ولی با همه این بدی ها "فلم یمنعک ذلک من الرحمه لی و الاحسان الی و التفضل علی فارحم عبدک الجاهل" خدایا من اعتراف می کنم جاهلم، امشب آمده ام از تو تقاضای رحمت کنم «فارحم عبدک الجاهل و جد علیه بفضل احسانک انک جواد کریم». خداوند در حدیث قدوسی می فرماید: «لو علم المدبرون کیف اشتیاقی بهم لماتو شوقا» خداوند می فرماید: اگر فراری ها بدانند که من چقدر مشتاق آنها هستم (شما که فراری نیستید شما که با پای خودتان آمده اید شما که همه جا حاضر هستید، شما که هیچ اگر فراری ها بدانند که من چقدر مشتاق آنها هستم)، "لماتو شوقا" از شدت شوق و شعف جان به جان آفرین تسلیم می کردند. این ادب اول است البته همه محدثین بزرگواری که این ادب را در کتابشان ذکر کرده اند بلافاصله تذکر داده اند که مواظب باشید. در همین کتاب ارزشمند المراقبات فقیه عارف آیت الله ملکی تبریزی (رض) می فرماید: «قد یغتر الاکثرون فیحسبون عدم المبالاه فی الدین حسن الظن». بعضی ها فریب می خورند به تعبیر ایشان بیشتر افراد فریب می خورند و فکر می کنند امیدوار بودن به لطف خدا به معنای بی مبالاتی است، بعضی ها فکر می کنند بی مبالاتی به معنای حسن ظن و رجا است در حالی که تا آخرین لحظه باید بین خوف و رجا باشیم، نمی دانیم پایان ما به کجا ختم می شود.

یکی از علمای نجف می فرمود: مرحوم محدث قمی (رض) حجره من آمد و از این بزرگوار تقاضا کردم یک موعظه ای، نصیحتی به من داشته باشید ولی نصیحتی که برگرفته از داستان و حالتی باشد که بی واسطه برای خودتان رخ داده است. فرمود: این داستان را برای تو می گویم که برای خودم بدون هیچ واسطه است. فرمودند: روزهایی در وادی السلام نجف بودم (ایشان دوران مراقباتی داشتند برنامه ای داشتند،) روزی جنازه ای آوردند در این قبرستان به خاک سپردند. وقتی همه برگشتند صدایی از این قبر به گوشم می رسید مثل شتری که داغش می کنند این آیه را می خواند «یا حسرتا علی ما فررت فی جنب الله» فردای قیامت یوم الحسرت است هم برای خوب ها هم برای بد ها، خوب ها برای اینکه چرا بهتر استفاده نکردند بدها که معلوم است. «احسنوا ظنونکم بالله»

ادب دوم در دعا که در روایات فراوانی آمده است دعا همراه با اشک باشد، همراه با گریه و ناله باشد. این حدیث را مرحوم کلینی در کافی شریف نقل کرده اند. مولای ما امیر المومنین (ع) شهید رمضان دو مهمان داشتند به نام حبه و نوفل بکالی، مهمانان امیر المومنین در صحن دار الاماره مشغول استراحت بودند. شب از نیمه گذشت صدای گریه جانسوز امیرمومنان (ع) این دو مهمان را بیدار کرد. آن دو مهمان می گویند: امیر مومنان (ع) در حالی از اتاق ها بیرون آمد که در اثر شدت گریه با کمک دیوار از پله ها پایین می آید و آیات پایانی سوره آل عمران که مقدمه نافله شب است تلاوت می کند. «الذین یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا.... »(تا پایان ) به این دو مهمان رسیدند و فرمودند: خوابید یا بیدار؟ عرضه داشتند آقا چه خوابی ناله جانسوز شما برای کسی خواب نمی گذارد، ما هم داریم گریه می کنیم. امیر المومنین فرمودند: گریه کنید "لیست من قطره قطره من عین رجل الا اطفئت بحارا من النیران" قطره ای اشک از خوف خدا دریاهایی از آتش را خاموش می کند. این دو مهمان نقل می کنند امیرالمومنین از ما جدا شد همانطور که به آسمان نگاه می کرد عرضه می داشت خدای علی "لیت شعری فی غفلاتی ا معرض عنی ام ناظر الی" کاش علی می دانست در آن لحظه غفلت از من روی گردانی یا باز هم نظر رحمتت شامل حال من است . مولود کعبه لحظه غفلتی داشت؟ امام باقر علیه السلام فرمود: "ان اقرب ما یکون العبد الی الله هو ساجد باک" نزدیکترین حالتی که انسان به خدا دارد آن لحظه ای است که انسان گریه می کند مخصوصا اگر در سجده گریه کند از این حالت نزدیکتر به خدا قابل تصور نیست.

ادب سوم در دعا که باز در روایات فراوانی آمده است "من اراد ان یستجاب له فلیطب کسبه ولیخرج عن مظالم الناس" اگر کسی می خواهد دعایش مستجاب شود کسبش را پاک کند، لقمه حرام مانع استجابت دعا است "ولیخرج عن مظالم الناس" اگر می خواهیم دعای ما مستجاب شود اگر می خواهیم خدا به ما نظر عنایت کند فرمود: کسی که حق الناس به گردنش است باید جبران کند سهل ساعدی صحابی رسول خداست در مسجد النبی اشاره کرد به منبر پیامبر و گفت: مسلمانها این منبر را ببینید من صحابی پیامبر هستم و ده سال در مدینه پای منبر رسول الله بودم. به یاد ندارم پیامبر از این سه پله منبر بالا رفته باشد الا اینکه این آیه را تلاوت کرد "ما جلس رسول الله علی هذا المنبر قط الا تلا هذه الایه یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و قولوا قولا سدیدا" مومن تقوا داشته باش و حرف خوب بزن، اگر زبان ما گناه کرده است اگر حق الناس به گردن ماست باید جبران کنیم «فلیخرج عن مظالم الناس» امیر مومنان ع فرمود: "ان الغیبه تفطر الصائم و علیه القضاء" غیبت روزه را باطل می کند و قضا دارد. فقیه بزرگی مثل شیخ طوسی (رض) بر اساس این روایت فتوا می دهد اگر کسی در روزه ماه رمضان یک غیبت کرد بنویسد امروز روزه ام باطل شد بعد از رمضان این روز را باید قضا کند.

ادب چهار که در روایات فراوانی آمده است در آداب دعا، عمومیت دعا است، خدا اینطور دوست دارد. در روایت داریم فردای قیامت هنگامی که نفخ صور می شود هنگامی که انسان ها سر از قبر برمی دارند "کل من یقوم من قبره" هر کسی که سر از قبر برمی دارد عرضه می دارد "اللهم ارحمنی" خدایا به من رحم کن، می دانید چه جواب داده می شود؟ "فیقال له" به آنها گفته می شود "لان رحمتم فی الدنیا لترحمون الیوم" اگر در دنیا رحمت و لطف شما شامل حال دیگران شد امروز رحمت خدا شامل حال شما می شود. روایات فراوانی داریم "ارحم ترحم" ، التماس می کنند "اللهم ارحمنی ، لان رحمتم فی الدنیا لترحمون" . دعایمان عام باشد برای همه دعا کنیم فقط برای خودمان دعا نکنیم برای استجابت دعای ما موثر است. امام صادق (ع) گاهی در خانه زن و فرزند را جمع می کرد "اذا حزنه امر جمع النساء و الصبیان" و دعا می کرد و می فرمود: شما آمین بگویید در جمع دعا کردن، عمومیت در دعا روایات فراوانی داریم چهل نفر باشید، اگر ده نفر هستید چهار بار دعا کنید تا به عدد چهل برسد. اگر چهار نفر هستید ده بار دعا کنید تا به عدد چهل برسد. مکان و زمان در دعا موثر است، برای همه دعا کنید رسول خدا برای همه دعا می کرد.

ادب پنجم در دعا این است که انسان دل از همه جا قطع کند و فقط بگوید خدا. امشب فقط خدا را صدا بزنیم در گرفتاری ها و مشکلات و شدائد فقط بگوییم خدا، چقدر الان دوست داشتید دنبال اسم اعظم بگردید و خدا را با اسم اعظم صدا بزنیم. در تفسیر روضه الجنان از تفاسیر قدیمی (قرن ششم و هفتم) ابوالفتوح رازی از مفسرین بزرگ شیعه است در اوائل تفسیرش نقل می کند کسی محضر امام صادق علیه السلام آمد که از اصحاب نزدیک حضرت بود و عرض کرد آقا اسم اعظم را به من یاد بدهید. فرمودند: باشد، مانعی ندارد یک شرط دارد. گفت: آقا هر شرطی باشد؛ می پذیرم. فرمودند: برو داخل این حوض غسل کن و بیرون بیا تا به تو یاد دهم. روز سردی بود هوای سرد وآب بسیار سرد . گفت: آقا کاری ندارد ولو سخت است یک غسل چیزی نیست اسم اعظم یاد می گیرم. رفت توی این حوض سرد در این آب سرد و هوای سرد وقتی می خواست با عجله بیرون بیاد امام به اصحابشان اشاره کردند که نگذارید بیرون بیاید. هر چه التماس می کرد اجازه نمی دادند. دید جانش در خطر است از این سرما می میرد از این کسانی که اطراف این حوض بودند ناامید شد. امام دورتر نشسته بودند رو به امام صادق (ع) کرد و گفت: آقا جان شما به فریادم برسید اینها نمی گذارند من بیرون بیایم، امام هم روی مبارکشان را برگرداندند از همه جا ناامید شد. یک مرتبه فریاد زد «رب اغثنی» آقا فرمودند: بالا بیا اسم اعظم همین است . فقط بگو رب اغثنی. یا غفار و یا رحمن یا ستار یا عفو غفور یا طبیب من لا طبیب له یا انیس من لا انیس له ما هیچ طبیبی نداریم هیج انیسی نداریم و آمده ایم در خانه تو فقط بگوییم رب اغثنی .

و ادب آخر، ادب ششم بسیار مهم است مخصوصا امشب یادمان باشد ادب دعا این است که یادمان باشد ما با میل و رغبت خودمان نیامده ایم این لطف وعنایت خدا بوده که ما را اینجا فرستاد. این را باید باور کنی. امشب باید باور کنی قبل از اینکه ما اراده توبه کنیم، قبل از اینکه ما بگوییم یا الله دو بار خدا صدا زده "عبدی" بیا بنده من بیا. در روایات و در کلمات بزرگان هست "توبه العبد محفوفه بتوبتین من الرب" ما یک بار می گوییم، دو مرتبه خدا صدا زده است.

گریز و روضه :

بر مشامم می‌رسد هر لحظه بوی کربلا بر دلم ترسم بماند آرزوی کربلا

تشنة آب فراتم ای اجل مهلت بده تا بگیرم در بغل، قبر شهید کربلا

حدیث داریم: لو کانَ الحیاءُ صورةً لَکانَ الحُسَینَ؛ (مثة منقبة، ص 135) اگر حیا را بخواهی نقاشی کنی، می‌شود حسین. اگر حیا را بخواهی ترسیم کنی، می‌شود اباعبدالله. در حیای اباعبدالله همین قدر بس، که به دشمن خودش آب داد، فرمود: این‌ها تشنه‌اند ولو دشمن هستند. دستور داد تک تک لشکر دشمن را آب بدهند. در حیای اباعبدالله همین قدر بس، که روز عاشورا مقابل خیمه‌ها آمد، فرمود: خواهرم زینب، می‌شود یک لباس به من بدهی؟ لباس به او داد. امام لباس را برش زد: قدری آن را کوتاه کرد که لباس قابل رغبت نباشد (منتهی الامال، ص 540) تا وقتی غنیمت‌ها را می‌برند، لباس‌ها را می‌برند حیا کنند. شرم کنند تا این پیراهن زیر لباس‌های من بماند. این حیای اباعبدالله است.

در حیای اباعبدالله همین قدر بس وقتی زیر تیغ، چشمش را باز کرد، دید زینبش بالای بلندی آمده است، فرمود: برگرد، برگرد، نمی‌خواهم صدای زینبم را نامحرم بشنود. گریه‌ات را نامحرم ببیند. خواهرم، مبادا گریبان چاک بدهی! مبادا صدایت را به گریه بلند کنی! خواهرم، مبادا تا من زنده‌ام از خیمه‌ها بیرون بیایی. این حیا نیست؟ لو کان الحیاءُ صورةً لَکان الحسینَ؛ (مثة منقبة، ص 135)

در حیای امام حسین همینقدر بس وقتی دختر کوچکش دنبالش دوید، فرمود: دخترم به خیمه‌ها برگرد. نگذاشت دختر از خیمه بیرون بیاید.

در حیای امام حسین همین قدر بس وقتی که به دشمن حمله می‌کرد، برمی‌گشت و می‌آمد دور خیمه‌هایش می‌چرخید که مبادا خیمه‌هایش مورد تجاوز قرار بگیرند.

اباعبدالله، غیرة الله است. اباعبدالله، تجسم حیای الهی است. اما یا اباعبدالله، غروب عاشورا نبودی با این خیمه‌‌های چه کردند؟! با این زن و بچه‌ها چه کردند؟! هر کدام به یک طرف بیابان رفتند؛ اهل بیت پراکنده شدند. عقیله‌ی بنی هاشم را بر شتران بی جهاز سوار کردند، در مجلس دشمن آوردند. زینب نفرمود: حسینم، عباسم. نفرمود: اکبرم. نفرمود: فرزندم.

فرمود: یزید این عدالت است که زن و بچه‌ی تو پشت پرده باشند اما اهل بیت رسول الله مقابل نامحرم؟! أمِنَ الْعَدْلِ یَابْنَ الطُلَقاءِ تخدیرُکَ حرائِرُکَ و اِماءَکَ و سَوْقُکَ بَناتِ رسولِ الله سَبایا. (بحارالانوار، ج 45، ص 133؛ الاحتجاج، ج 2، ص 307؛ بلاغات النساء، ص 35)